



مشکلات فرهنگی و اقتصادی، علل عمده ازدواج زیر ۱۸سال

ازدواج کودکان آسیب‌زا یا مفید

خب پدرها و مادرها از فرزندان حمایت می‌کنند و کم‌کم می‌توانند با کار و تلاش

زندگی خود را بسازند، اما این فقط یک بعد ماجراست و نقش اصلی را در این میان دولت باید ایفا کند. اگر دولت نگران بالا رفتن سن ازدواج و در پی کاهش این مساله است، باید ابتدا به خود بنگرد که چه اقدامات مفیدی در این زمینه انجام داده. این امکانات و کمک‌ها مثلا همین وام سه‌میلیون تومانی که برای ازدواج به جوانان تعلق می‌گیرد، اصلا برای جامعه فعلی رقم مناسب و قابل‌ملاحظه‌ای محسوب نمی‌شود و با افزایش هزینه‌های بالای زندگی و کمبود شغل و ناامنی در اشتغال نمی‌توان با این مبلغ قدمای انجام داد.

این مدیر دبیرستان در تهران می‌افزاید راحل ازدواج آسان برای جوامعی همچون جامعه ما فقط در گرو یک وام نیست، همین اشتغال بزرگ‌ترین معضل است و زمانی که زیرساخت‌ها بهبود نیابد، جوان جسارت ورود به زندگی مشترک و بر عهده گرفتن مسوولیت آن و برآمنش از عهده مشکلات متعدد زندگی را نخواهد داشت. مدیر دبیرستان در یکی از شهرهای غربی کشور هم می‌گوید: «در نهایت با خود فرد است که چنانچه بتواند تحصیلاتش را پس از ازدواج ادامه دهد و آینده خوبی به لحاظ تحصیلی و موقعیت اجتماعی برای خود ایجاد کند، این امر بسیار مفید خواهد بود.» مساله همین اما و اگرهای زیاد برای ازدواج در سنین پایین است. همین حالا در بسیاری از مناطق روستایی و حتی در شهرهای مختلف بسیاری از پدرها یا همسران به‌خصوص به دختری‌که زیر ۱۸سال ازدواج می‌کنند، اجازه ادامه تحصیل پس از شروع زندگی را نمی‌دهند و درنتیجه کودک فقط تبدیل به زن خاله می‌شود، بدون اینکه به معنای کامل، کودکی کرده یا در درس خواندن و تفریح در مدرسه

مدیر این مجتمع آموزشی دخترانه در غرب کشور نیز با اشاره به اینکه آمار رسمی تعداد دختران و پسران ازدواج کرده زیر ۱۸سال از سوی مسوولان دولتی اعلام نمی‌شود، تاکید می‌کند: آموزش‌وپروورش به این نتیجه رسیده است که نباید جلوی ازدواج افراد زیر ۱۸سال را بگیرد و به آنها توصیه می‌کند که اجازه به‌بهید دانش‌آموزان ازدواج کنند و با مانع تراشی کار را برای آنها سخت نکنید

در کنار همسالان و دوستان خود لذتی برده باشد. وی معتقد است «این مشکلی است که متأسفانه کماکان بسیار رواج دارد. اگر زمینه درس خواندن برای کودکان روستایی به صورت کامل ایجاد شود، بهتر است که در همان منطقه خود بماند و در آنجا درس بخواند و ازدواج کنند.» اما مشکل درست در این نقطه است و این مساله بعینده در مناطق مختلفی از کشور قابل‌مشاهده است. ما به لحاظ امکانات تحصیلی در مناطق بی‌شماری از روستاها و شهرهای کوچک در سطح بسیار پایینی قرار داریم و چون این موضوع عملیاتی نمی‌شود کودک ناچار است یا برای ادامه درس خواندن به شهر برود یا قید درس خواندن را بزند که در اکثر مواقع این اتفاق رخ نمی‌دهد و دختران به ویژه بعد از سنین ابتدایی دیگر امکان ادامه تحصیل را ندارند و کمی بعد هم در سنین ۱۲، ۱۳سالگی ازدواج می‌کنند. کمبودها و فراهم نکردن شرایط لازم، بزرگ‌ترین معضل برای کودکانی است که مانع از ادامه درس خواندن آنها تا مقطع دبلیم اده دهد.

همچنین بسیاری از کارشناسان حوزه خانواده با تاکید بر اینکه اکثر خانواده‌هایی که در آنها فرزندشان زیر ۱۸سال ازدواج می‌کنند، از سطح سود و تحصیلات و فرهنگ پایین‌تری برخوردارند، معتقدند زمانی که بعضا خود خانواده‌ها آنها را مجبور به ازدواج در این سنین می‌کنند، پس نمی‌توانند پدر و مادر آگاه و راهنمای خوبی برای کودکانشان در این زمینه باشند.

این مدیر دبیرستان در غرب کشور در خصوص اینکه چگونه به فرد ازدواج کرده اجازه می‌دهند کماکان در مدرسه‌ای به جز شبانه‌روزی به تحصیل ادامه دهد، می‌گوید: «نه خود به عنوان مدیر یک دبیرستان این موضوع را نمی‌پذیرم و نه خانواده‌های شاگردان دیگر. بسیاری از خانواده‌ها نمی‌پذیرند کسی که ازدواج کرده به دلایل مختلف در کنار فرزندان مجرد آنها در مدرسه درس بخواند.» وی ادامه می‌دهد: یکی از شاگردانش که در ۱۵سالگی ازدواج کرده هم به دلیل اینکه دختری بود که اجازه نداد کسی در مدرسه متوجه این موضوع شود و هم به دررسش آسیبی وارد نشد، اجازه پیدا کرد در همین مدرسه خودش درسش را تا مقطع دبلیم ادامه دهد.

درخصوص دختران عقد کرده وضعیت کمی متفاوت است و طبق قانون در همه



طرح: فیروزه مفیدی

اجتماعی

نگاه

ازدواج کودکان؛ «مانعه الجمع» یادداشت بهمن کشاورز



بهمن کشاورز حقوق‌دان

۱- اجزای بعضی از عبارات مرکب با یکدیگر در تضاد و تناقض هستند. به عبارت دیگر اجزایی بعضی از این عبارات را با یکدیگر نمی‌توان جمع کرد. از آن جمله تعبیر «ازدواج کودکان» است. با توضیحاتی که خواهم داد مساله بیشتر روشن خواهد شد.

۲- قانونی داریم که عنوان آن «حمایت از کودکان و نوجوانان» است که در ۱۳۸۱/۹/۲۵ تصویب شده است. ماده ۱ این قانون اعلام می‌کند «کلیه اشخاصی که به سن ۱۸ سال تمام هجری شمسی نرسیده‌اند، از حمایت‌های قانونی مذکور در این قانون بهره‌مند می‌شوند.» با توجه به عنوان قانون و آنچه در ماده ۱ آن آمده، مشخص می‌شود کسانی که سن زیر ۱۸ سال داشته باشند، «کودک و نوجوان» محسوب می‌شوند.

درماده ۲ این قانون، قانون‌گذار هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان را که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی یا اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به خطر بیندازد، ممنوع کرده است و برای هرگونه صدمه، اذیت و آزار، شکنجه جسمی و روحی کودک، نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی او و ممانعت از تحصیل او، فرد مرتکب این امور را به حبس و جزای نقدی تهدید کرده‌اند. همچنین قانون‌گذار درماده ۵، کودکانی را از جرایم عمومی محسوب کرده است که نیاز به شکایت شاکی خصوصی ندارد.

۳- از طرف دیگر قانون رشد متعاملین، معاملات و قراردادهای مالی افراد زیر ۱۸سال را بی‌اعتبار اعلام کرده است، یعنی این افراد نمی‌توانند تعهد مالی برعهده گیرند یا طرف قراردادهایی واقع شوند که جنبه مالی دارد.

۴- همان‌طور که می‌دانید، ازدواج قراردادی است که برای تحقق آن رضایت زن و شوهر لازم است. برای اینکه این رضا محقق شود، باید طرفین اهلیت داشته باشند و یکی از شروط داشتن اهلیت علاوه بر بلوغ، رشد است، یعنی همان چیزی که درقانون رشد متعاملین، وجود آن در افراد زیر ۱۸سال معدم فرض شده است. همچنین توجه داشته باشید که بدون تردید، قرارداد نکاح آثار مالی دارد. آن‌گاه این سوال مطرح خواهد بود که چگونه کسانی که کودک محسوب می‌شوند، می‌توانند ازدواج کنند؟

۵- از طرف دیگر قانون‌گذار هر نوع اذیت و آزار به کودکان را که به آنها صدمه جسمی، روانی یا اخلاقی وارد کند و با مانع تراشی کار را برای آنها سخت نکند. اما معتقدند که نباید درشران هم رها شود. با این وجود اما هنوز راهکار مناسبی برای در کنار هم گذاشتن این دو موضوع نیفتد.شده‌اند.

وی در ادامه خاطرنشان می‌کند: تحصیلات از راه دور برای این افراد آسیب‌ها و مشکلاتی در بر دارد که اکثر اوقات به همین دلیل خانواده‌ها اجازه ادامه درس خواندن به دانش‌آموز را پس از ازدواج نمی‌دهند و این خود بزرگ‌ترین مشکلی است که هنوز با راهکار بهتری آن را برطرف نکرده‌اند.

«صرالله ترابی»، عضو سابق کمیسیون اجتماعی مجلس نیز در تحلیل خود از ازدواج کودکان زیر ۱۸سال می‌گوید: «رو خصوص ازدواج کودکان بین ۹ تا ۱۸سال یک بحث شرعی داریم و یک بحث قانونی. ممکن است کسی در ۱۵سالگی هم بالغ نباشد و اما کسی در ۱۰ سالگی به بلوغ برسد و بر این اساس شرایط شرعی ازدواج را دارد. اما به دلیل وضعیت جامعه و مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد، ازدواج در سنین پایین عوارض زیادی به همراه دارد»

وی معتقد است اکثر کسانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، از طبقات فقیر و محروم هستند. در این زمینه می‌توان به نمونه‌های متعددی اشاره کرد که به دلیل همین فقر، مردی که سن بالایی دارد و متمول است، دختری در سن فرزندش را صیغه می‌کند و به نوعی با این اقدام حرم‌سرایی برای خود ایجاد می‌کند یا اینها معضاتی است که حتی اگر درصد زیادی از مردم جامعه را هم شامل نشود، اما به هر حال آسیب‌هایی اجتماعی‌ای است که هنوز هم راهکار مناسبی برای آن در نظر گرفته نشده است.

ترابی در انتها فرزندشان زیر ۱۸سال ازدواج می‌کنند، از سطح سود و تحصیلات و فرهنگ پایین‌تری برخوردارند، معتقدند زمانی که بعضا خود خانواده‌ها آنها را مجبور به ازدواج در این سنین می‌کنند، پس نمی‌توانند پدر و مادر آگاه و راهنمای خوبی برای کودکانشان در این زمینه باشند.

درپچه

پیامدهای ازدواج زودهنگام کودکان

دکتر افسانه وارسته‌فر / جامعه‌شناس حوزه کودک

جامعه در حال گذار ایران با پارادوکس عجیبی روبه‌رو شده است. در حالی که از یک سو شاهد افزایش سن ازدواج در میان دختران و پسران هستیم (به دلایل مختلفی چون افزایش سطح تحصیلات دختران، پرهزینه‌شدن ازدواج، بیکاری جوانان و...)، از سوی دیگر هنوز شاهد ازدواج زودهنگام کودکان هستیم. طبق تعاریف ازدواج زودهنگام به ازدواجی اطلاق می‌شود که زوجین یا یکی از آنان به سن ۱۸سالگی نرسیده باشند.مجماع بین‌المللی و علمی (یونیسف،جامعه‌شناسی کودکی و نوجوانی...) نیز، سن کودکی را تا ۱۸سالگی می‌دانند. مشاهده آمار ازدواج‌های زودرس نزد این گروه سنی، توجه خاصی را از سوی اندیشمندان، تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان حوزه‌های علوم انسانی، بهداشتی و سیاسی می‌طلبد. طی شش، هفت‌ماه اخیر، جرید اخباری از قول انجمن حمایت از حقوق کودکان کار نقل کرده‌اند که قابل‌تأمل است: طبق آمار ثبت احوال کشور، ۴۲هزار ازدواج کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله در سال ۱۳۸۹، ۳۴۲هزار ازدواج کودکان زیر ۱۸ سال در سال ۱۳۸۹ و افزایش حدود۴۵درصدی ازدواج و طلاق کودکان از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۹ گزارش شده است. و اما آنچه تکان‌دهنده‌تر است ازدواج کودکان زیر ۱۰ سال است که ۷۱۶ مورد بوده است و نسبت به سه‌سال قبل دو برابر شده است. خبر دیگری از سازمان ثبت احوال که توجه همگان را به خود جلب کرد، ازدواج ۷۵ دختر یا پسر زیر ۱۰ سال در تهران بوده است (در سال ۱۳۹۰) همچنین ترکیب سنی ازدواج پسران کمتر از ۱۵ سال با دختران کمتر از ۱۵ سال ۳۹۸۳۱ واقعه و پسران ۱۹-۱۵ ساله با دختران همین سنین، ۲۸۱۷۴۷ واقعه بوده است (توزیع سنی زوجین در زمان ازدواج در سال ۱۳۹۰ سازمان ثبت احوال). ازدواج زودهنگام، پدیده‌ای است که نقاط مختلف جهان نیز با آن مواجه هستند. طبق گزارش‌های یونیسف، در ناحیه آفریقای جنوبی صحرار و در آسیای جنوبی ازدواج‌های زودهنگام دختران بیشتر مشاهده می‌شود. اما در خورمیهانه، در آفریقای شمالی و در برخی مناطق آسیا، ازدواج به‌هنگام سن بلوغ و کمی بعد از سن بلوغ نزد برخی جماعات بسیار شایع است. البته در برخی مناطق قبل از سن بلوغ نیز ازدواج کودکان رایج است. یونیسف اذعان دارد که نمی‌توان به داده‌های قابل اطمینانی از شیوع این ازدواج‌ها در جهان دست یافت، اما بر طبق آماری که در دست دارد گزارش می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه، بیش از ۶۰میلیون زن بین سنین ۲۰ تا ۲۴ سال، قبل از هجده سالگی زندگی زنشویی را شروع کرده بودند و در کشورهایی چون بنگلادش، جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، گینه، مالی نیجر بیش از ۶۰درصد زنان قبل از ۱۸سالگی وارد زندگی زنشویی شده‌اند. در حالی که آمار ذکرشده تنها به ازدواج زودهنگام دختران پرداخته‌اند، نباید از پسانی که به این نوع ازدواج‌ها -خوشته یا ناخوشته- تن می‌دهند، غافل شد. بیش از یک‌قرن است که علوم به ویژگی‌های خاص دوران کودکی پی برده‌اند و توجه خاصی به دیدگاه‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و زیست‌شناختی برای درک کودکی، نشان داده‌اند. پس نمی‌توان از آثار روانی، عاطفی، اجتماعی و زیستی که این نوع ازدواج‌ها بر هر دو جنس تحمیل می‌کند، غافل ماند.

ضروری است که پیامدهای این ازدواج‌ها مورد بررسی جدی قرار گیرد. در این نوشته، تنها به سه مورد اشاره می‌کنم.

۱- محرومیت آموزش

مهم‌ترین پیامد این ازدواج‌ها باز ماندن از دوره‌های آموزشی و دست یافتن به سطح تحصیلات معقول و مطلوب جامعه‌است. طبق گفته ریس نهضت سوادآموزی کشور، در سال ۱۳۹۰، ۹میلیون ۷۱۶هزار نفر بی‌سواد (براساس خردنگاه‌های) و کم‌سواد- تا سطح تحصیلی پنجم ابتدایی- در کشور وجود دارد. در حالی که تمامی اندیشمندان و سیاست‌گزاران به تاثیر آموزش در توسعه اجتماعی اقتصادی کشورها تاکید می‌کنند، وجود این آمار پدیده‌های ناگواری در سطح کشور را به‌دندان خواهد داشت.

در این میان مساله آموزش دختران آنقدر مهم است که برخی اقتصاددانان آموزش‌وپروورش معتقدند که سرمایه‌گذاری در آموزش دختران در بازه‌دیرین سرمایه‌گذاری در جهان در حال توسعه است و حتی کوتاهی از سرمایه‌گذاری در آموزش زنان می‌تواند به کاهش فواید بالقوه آموزش مردان منجر شود. همچنین این گسستی باعث تحمیل هزینه‌های سنگین به دلیل از دست دادن توان فاعلین بهره‌وری درآمد و بهبود کیفیت زندگی می‌شود. در حالی که برخی قرن بیستم را به دلیل رشد فزاینده دختران در سطوح آموزشی، قرن دختران خوانده‌اند، تاسف‌آور است که شاهد ترک تحصیل دختران در اتر ازدواج‌های زودرس باشیم. ترک تحصیل دختران در سطوح دوره راهنمایی معضلی کماکان پابرجاست که حالی که در همه دوره‌ها دختران میزان قبولی و میانگین نمرات بهتری نسبت به پسران را دارا هستند و می‌توانند به آینده‌ای همراه با تحرک اجتماعی امیدوار باشند، اما به عنوان مثال در گزاشی که از یکی از محروم‌ترین استان‌ها- سیستان و بلوچستان- در اواخر سال ۱۳۷۹ در دست داریم، ۴۲/۱درصد زنان تلع ترک تحصیل خود را ازدواج ذکر کرده‌اند- ازدواج زودهنگام باعث ترک‌تحصیل پسران نیز می‌شود که در پی آن ورود زودهنگام و بدون تخصص و مهارت علمی به دنیای اشتغال است. می‌دانیم که نظام آموزش‌وپروورش خود کارکرد اساسی برای زندگی جمعی دارد: انتقال مهارت‌ها و تخصص‌های موردنیاز و شکل‌دادن به شخصیت مطلوب هر جامعه. حال بامانند یا در نیمه راه ماندن در آموزش، به دو کارکرد مورد نیاز جامعه در حال توسعه لطمه می‌زند. امروزه تا تغییرات روزافزون در ساختار شغلی که نتیجه توسعه دانش است، بسیاری از مشاغل که به مهارت و تخصص کم احتیاج داشتند، از بین می‌روند و نیاز به تحصیل‌دهدایی که منطبق با خواسته‌های بازار کار باشند، احساس می‌شود. با توجه به نقش آنان آوری پسران در جامعه ایرانی، دور از انتظار نیست که پسران ترک‌تحصیل کرده، سرار بازار کار غیر تخصصی یا دستمزد و مزایا و منزلت کمتر در بیاورند و به هنگام تشکیل خانواده نتوانند از عهده تأمین مخارج زندگی برآیند و در نتیجه آسار خانواده‌های فقیر را افزایش دهند. کودکان به‌دینا آمده در این نوع خانواده‌ها به نوبه خود مخصوصا اگر دختر باشند، با خطر ازدواج زودرس مواجه می‌شوند و دور تسلسلی رفت‌وگذار را به وجود می‌آورند. طبق برآورد یونیسف دخترانی که در قشر ۲۰درصد از فقیرترین افراد جوامع زندگی می‌کنند، نسبت به دخترانی که در قشر ۲۰درصد از ثروتمندترین افراد جامعه زندگی می‌کنند در سنین پایین‌تری ازدواج می‌کنند، از فقر نشان داده‌اند. مثلا در پرو، ۴۵درصد از زنانی که زیر ۱۸سالگی ازدواج کرده‌اند، از میان قشر ۲۰درصد از فقیرترین اقشار جامعه بودند در حالی که تنها پنج‌درصد از دختران اقشار ثروتمندند. زیر ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند، (ازبایی یونیسف، ۲۰۰۰DHS). همچنین دخترانی که حداقل آموزش ابتدایی را گذرانده‌اند، کمتر دختران بی‌سواد، در معرض ازدواج زودهنگام قرار می‌گیرند. مثلا در زیمبابوه ۴۸درصد از دخترانی که مدرسه ابتدایی را گذرانده‌اند زیر ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند، در حالی که ۱۷درصد دخترانی که زیر ۱۸سالگی ازدواج کرده‌اند هرگز به مدرسه نرفته بودند (ازبایی یونیسف ۱۹۹۹DHS). از طرف دیگر آموزش باعث رشد آگاهی‌ها و نگرش‌ها و شکل‌گیری شخصیتی است که باانکابه به آگاهی‌یافتن قدرت در تصمیم‌گیری و رفتارهای اجتماعی مطلوب جامعه توسعه‌یافته را پیدا می‌کند. بامانند از تحصیل هر دو جنس را در سنینی که هنوز قابلیت‌های روانی اجتماعی و حتی زیستی‌شان به اندازه کافی رسیده نکرده‌اند، درگیرمسایل معاش و خانوادگی‌ای می‌کند که ابرازهای لازم برای رویارویی با آنها را دارا نیستند مسلما آموزش‌وپروورش این ابزار را تا حد زیادی در اختیار کودکان و نوجوانان قرار می‌دهد. شخصیت مطلوب جامعه توسعه‌یافته، شهروندی مسئول، خلاق، دارای قدرت استدلال و به‌علاوه به آموزش‌وپروورش در کشورها پیشرفته، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌هایش، انتقال و پرورش چنین عناصری است. ترک‌تحصیل کودکان و نوجوانان، مخصوصا اگر در پی ازدواج زودهنگام باشند، آنان را از ویژگی‌های شخصیته‌ای که به رشدشان و در نتیجه به‌رشد جامعه کمک می‌کند، محروم می‌کند.

ادامه در صفحه ۹